

انتقال معنا و بینامتنی براساس مدل «لپی هالم»

بررسی موردی ترجمه اشعار احمد مطر

فرامرز میرزایی*

سریه شیخی قلات^۲

۱- استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا - همدان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه بوعلی سینا - همدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۰۹

چکیده

«بینامتنی» ابزاری هنری در دست آفریننده متن است که زمینه‌ساز زیبایی و ژرف-معنایی آن می‌گردد؛ اما چگونه می‌توان در ترجمه، معنا را با حفظ زیبایی این شگرد هنری، انتقال داد؟ زیرا در ترجمه، نشانه‌های لفظی، به عنوان بهترین علامت برای پی-بردن به بینامتنی و درک معنایی آن، تقریباً از بین می‌رود و اگر این بینامتنی، با متون برجسته دینی مانند قرآن و یا دیگر کتب آسمانی باشد، مشکل دوچندان می‌گردد. این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی، درصدد است با توجه به مدل «لپی هالم» و نظریه بینامتنی، به ترجمه دو شکل از انواع آن، یعنی «بینامتنی علم» و «بینامتنی لفظی» در اشعار احمد مطر بپردازد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که راهکار حفظ اسم در بینامتنی علم با تغییر حداقل و توضیح صریح در بینامتنی لفظی، نسبت به دیگر راهکارها، معنای بینامتنی را بهتر منتقل می‌نماید.

واژگان کلیدی: ترجمه، بینامتنی، احمد مطر، مدل لپی هالم.

۱. مقدمه

۱-۱. طرح مسأله

بی‌تردید ترجمه آثار ادبی سخت و طاقت‌فرسا می‌نماید، زیرا فعالیتی ذهنی، پیچیده، آگاهانه و هدفمند است که با توجه به نیازها، باورها و فرهنگ زبان مقصد انجام می‌گیرد (غضنفری، ۱۳۸۵: ۷۶). بدیهی است که مترجم، به‌عنوان انتقال‌دهنده متن، بایستی با شگردهای زبانی، باورهای فرهنگی هر دو زبان مبدأ و مقصد هم‌آشنا باشد تا بتواند با انتخاب شیوه‌ای مناسب، معنای متن را زیبا و رسا به زبان مقصد انتقال بدهد. اگرچه باور عمومی بر آن است که ترجمه هرگز زیبایی‌های هنری را نمی‌تواند انتقال دهد.

این امر، به‌ویژه در ترجمه متون ادبی، که غالباً از بار زیباشناختی بالایی برخوردارند، پیچیده‌تر می‌شود (احمد گلی و منبری، ۱۳۹۰: ۵) و مشهور است که متون ادبی ترجمه ناپذیرند، و نمی‌توان آن‌را به گونه‌ای دقیق و کامل به زبانی تازه برگرداند (روضاتیان و میر باقری‌فرد، ۱۳۹۰: ۳). «بینامتنی» هم از همان مقوله‌ها و شگردهای ادبی است که ترجمه متن را سخت‌تر می‌کند. از این‌رو ترجمه متن ادبی، به مترجمی آگاه و توانا نیاز دارد که در کنار دانش زبانی و ادبی، حساسیت لازم را برای برگرداندن صحیح ممیزه‌های بینامتنی اثر داشته باشد (احمد گلی و منبری، ۱۳۹۰: ۵). زیرا بینامتنی، که به نوعی ارجاع به دیگر متون به شمار می‌آید، اغلب در ترجمه چالش برانگیزند.

اگر چه بینامتنی^۱، به تعابیر گوناگون در متون نقدی قدیم و جدید، آمده است اما نخستین بار، به عنوان یک نظریه ادبی، آن‌را ژولیا کریستوا ناقد فرانسوی، بلغاری الاصل، چنین تعریف کرد: «هر متن همچون معرقی از نقل قول‌ها ساخته می‌شود. هر متنی به منزله جذب و دگرگون‌سازی متنی دیگر است» (کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۴). بعد از وی، ژرار ژنت فرانسوی، مفهوم بینامتنی را توسعه داد وی در کتاب «درآمدی به فزون متنی» آن‌را

«رابطه حضور همزمانی بین دو یا چند متن» یا «حضور عملی یک متن در داخل متن دیگر به درجات مختلفی از وضوح و غموض» (ژنت، ۱۹۸۵: ۵) می‌داند که درک آن نیاز به یک هوش نقدی سرشار دارد.

کاربست بینامتنی از زمان ظهور تا الان بیشتر در زمینه ادبیات است (شعیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱). شاید یکی از ویژگی‌های متن ادبی در دوران معاصر همین تداخل متون است، زیرا روزگار کنونی زمینه روابط بینامتنی را بیشتر فراهم آورده و شاعران بزرگ، امروزه به بینامتنی، نه به عنوان یک نظریه ادبی، که به عنوان شگردی هنری که متن را پیچیده و پرمعنا و رمزآلود می‌کند، می‌نگرند و متونی را می‌آفرینند که درگیری آن با دیگر متون بسیار بالاست، از این رو این شگرد ادبی، زبان شاعرانه را متحول کرده است (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۳۱). البته آن دسته از روابط بین متونی اهمیت دارد که موجب آفرینش متن جدید می‌شود (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۲۹۹) و درخوانش بهتر و درک عمیق‌تر متن جدید خواننده را یاری می‌نماید.

بینامتنی به عنوان یک ابزار هنری برجسته سخت مورد توجه شاعران نوگرایی عرب، از جمله احمد مطر، شاعر عراقی، قرار گرفت. وی شاعری است سیاسی، که به منظور تأثیرگذاری بیشتر، چنان گسترده از آیات قرآنی استفاده کرده که تنها با تحلیل بینامتنی می‌توان به زیبایی‌های آن دست یافت (همان: ۳۰۱). لذا بینامتنی اشعار وی با قرآن، سخت مورد توجه ناقدان قرار گرفته است. از این رو اشعارش نمونه درخوری جهت بررسی انتقال معنا در بینامتنی به زبان دیگر است. در این زمینه، پرسش‌های زیر مطرح می‌گردد:

۱) آیا می‌توان در ترجمه، زیبایی این شگرد هنری را به زبان فارسی منتقل کرد؟

۲) راهکار مناسب این امر، حسب مدل لپی هالم، چیست؟

مفروض این است که شگرد بینامتنی اشعار احمد مطر با قرآن، به خاطر هنرنمایی عالی آن و با توجه به اصل ناسازواری آن، به شکل برجسته قابل ترجمه به زبان فارسی نیست! زیرا موسیقایی کلام عربی و نوع بیان قرآنی در اشعار احمد مطر، که به زبان عربی

است، آن را تقریباً ترجمه ناشدنی نموده است، اما می‌توان راهکارهایی برای نزدیکی بهتر به متن اصلی برگزید که این مقاله درصدد ارائه آن است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که با مراجعه به منابع اعم از کتاب، مجله و منابع اینترنتی داده‌ها، با هدف اثبات یا رد فرضیه‌ها، جمع‌آوری می‌گردد. همچنین به شکل کاربردی برخی اشعار احمد مطر، به منظور ارائه راهکار مناسب، ترجمه می‌گردد. در نتیجه ابتدا فرآیند بینامتنی قرآنی در شعر احمد مطر تبیین می‌گردد و سپس راهکاری مناسب برای انتقال معنا ارائه می‌گردد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

گسترده‌ی پژوهش‌های ادبی در حوزه بینامتنی، نشان‌دهنده اهمیت آن است. شاید بتوان دو کتاب ارزشمند «استدعاء الشخصيات التراثية في الشعر العربي المعاصر» که به یکی از موضوعات مهم بینامتنی یعنی فراخوانی شخصیت‌های تاریخی در شعر معاصر عرب می‌پردازد، به همین دلیل یکی از کتاب‌های مرجع در این زمینه به شمار می‌رود (عشری زاید، ۱۹۹۷: ۴۳). و دیگری کتاب «التناسق في شعر الرواد» از احمد ناهم، ناقد عراقی است که ضمن ارائه تعریفی دقیق از این واژه نقدی و معادل‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی آن (ناهم، ۲۰۰۴: ۱۴)، آن را در شعر شاعرانی پیشاهنگ شعر نو عراق مانند بیاتی و سیاب و ... بررسی می‌کند.

در ایران نیز چندی است که پژوهشگران دانشگاهی به موضوع بینامتنی قرآن با ادب معاصر توجه بسیاری دارند، به طوری که در همایش قرآن و ادب در دانشگاه کردستان بیش از ۲۰ مقاله در این باره به زبان فارسی و بیش از ده مقاله به زبان عربی نوشته شده بود!! اگرچه اکثر این مقاله‌ها درک درستی از این موضوع نداشته‌اند. با این حال مقاله‌هایی مانند «التناسق القرآني في شعر محمود درويش»، (فصلنامه انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۴، سال اول) از سرکار خانم رقیه رستم پور و «استدعاء الشخصيات القرآنية في ديوان بدوي الجبل»، (همان - شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، سال پنجم) از عبدالغنی ایروانی زاده و احمد نهیرات که هر دو مقاله بیشتر

به شخصیت‌های قرآن در شعر این دو شاعر پرداخته‌اند. همچنین مقاله «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸) چاپ شده در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره ۲۵. پیاپی ۲۲، که با تحلیل عملیات بینامتنی شعر احمد مطر با قرآن آنرا عامل مهم زیرمتنی شعر این شاعر دانسته است. مقاله یحیی معروف با عنوان «نقد و بررسی وامگیری قرآنی در شعر احمد مطر» ضمن بررسی انواع بینامتنی، آنرا با نظریه وامگیری در نقد بلاغی قدیم همسان پنداشته و برخی از موارد آنرا نادرست انگاشته است و جنبه‌های مثبت و منفی شکل وامگیری قرآنی اشعار وی را نقد می‌نماید (معروف، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۵۱)، همچنین مقاله «التناس القرآنی فی الشعر العراقي المعاصر؛ دراسة ونقد» نوشته علی سلیمی هم با بررسی این موضوع در شعر برخی شاعران معاصر عراق، گمان کرده که برخی نمونه‌های «این بینامتنی رکیک است و مناسب شأن قرآن نیست» (سلیمی و طهماسبی، ۱۳۹۱: ۸۱). که به نظر می‌آید ناشی از عدم درک درست از نظریه بینامتنی است.

اما در زمینه ترجمه و بینامتنی و مانند آن تا جایی که پژوهشگر می‌داند تنها مقاله‌ای که چاپ شده، مقاله آقای کامران احمد گلی و خانم منبری با عنوان (اشعار تی. اس. الیوت در زبان فارسی: بررسی موردی ترجمه تلمیحات) این مقاله با به‌کارگیری نظریه بینامتنی کریستوا و مدل لپی هالم به دسته‌بندی انواع تلمیح و راهکارهای ترجمه آن‌ها در چهار شعر پر تلمیح تی. اس. الیوت پرداخته است.

همچنین در دانشگاه اصفهان پایان‌نامه‌ای با عنوان: بررسی مقایسه‌ای ترجمه تلمیحات اسامی خاص شخصی و مکانی در شعر حافظ در دو ترجمه انگلیسی و یک ترجمه فرانسه: رویکردی توصیفی» توسط آقای علیرضا قانونی انجام گرفته است که براساس مدل پیشنهادی لپی هالم برای ترجمه تلمیحات اسامی خاص بر اسامی خاص مورد نظربه‌کار رفت تا راهکار مطلوب و مورد نظر هر مترجم را مشخص کند. و نتیجه گرفته که راهکاری که از بقیه بیشتر استفاده شده حفظ نام و پاورقی می‌باشد که بیانگر دغدغه مترجم برای خواننده می‌باشد تا سردرگم نشود» (<http://thesis.ui.ac.ir/abstracts/fgn/seventeen15.htm>).

با توجه به مقالات نگاشته شده دربارهٔ احمد مطر می‌توان گفت وی یکی از شاعران مورد توجه پژوهشگران ایرانی است اما در حوزهٔ ترجمهٔ بینامتنی قرآنی در اشعار احمد مطر تا کنون، مقاله یا پژوهش درخوری انجام نگرفته است و این مقاله در پی انجام پژوهشی برای ارائهٔ راهکاری مناسب در این زمینه است.

۱-۳- اهمیت پژوهش

اهمیت این امر ناشی از آن است که شگرد بینامتنی در اشعار احمد مطر دارای نوعی «طنز ناسازوار» است که از آن با نام «المفارقة الساخرة (طنز ناسازوار)» یاد کرده‌اند (غنیم، ۱۹۹۸: ۱۷۳). البته بیشترین شکل بینامتنی اشعار وی با آیات قرآنی است به گونه‌ای که از آن، به عنوان ژرف ساخت «طنز ناسازوار سیاسی» بهره می‌برد، تا آنجا که می‌توان طنز ناسازوار با ژرف ساخت قرآنی را مهمترین ویژگی شعری احمد مطر به‌شمار آورد (همان: ۲۵۷-۲۳۳). همین امر شعر وی را برجسته می‌نماید. از این‌رو، شعرش از همان آغاز مورد توجه ناقدان قرار گرفت و خوانندگان فراوانی در جهان عرب یافت. ارجاعات بینامتنی اغلب در ترجمهٔ چالش برانگیزند (احمد گلی و منبری، ۱۳۹۰: ۶) به گونه‌ای که حفظ زیبایی ادبی در ترجمه امری سخت و طاقت فرساست، مثلاً گاهی احمد مطر با استفاده از مشابهت صوتی و با جابجایی یک حرف در واژه‌ای مانند «بین‌النهرین» به جای «بین‌النهرین»، معناآفرینی بسیار شگفت‌انگیزی می‌نماید؛ یعنی با اندک دگرگونی لفظی، معانی زیادی را الغاء می‌کند. با این‌گونه هنرمندی‌ها، کار مترجمان دشوار می‌گردد. لذا ضروری است که با ارائهٔ راهکارهایی در این زمینه، آسیب‌های آن را تا حدود زیادی کاهش داد.

۲- راهکارهای ترجمهٔ بینامتنی

در مدل «لیبی‌هالم»، برای ترجمهٔ بینامتنی علم و بینامتنی لفظی، که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهد شد، راهکارهایی ویژه‌ای ارائه می‌گردد. در این مدل، مترجم

بایستی ابتدا «درک درستی از سازو کارهای درونی زبان مبدأ داشته باشد و این شرط لازم برای عملیات ترجمه است و مسئولیت آن به عهده مترجم است» (Leppihalme, 1997: 15) از این رو دومین چالش مترجم «انتقال نیمه نهفته متن به مخاطبان زبان مقصد» است (احمد گلی و منبری، ۱۳۹۰: ۵۳). در این مدل، لپی هالم تلمیحات را به دو دسته اسامی عام و اسامی خاص تقسیم نموده و در خصوص انتقال هر کدام از آنها به زبان مقصد، راهکارهایی را برای مترجمان آورده است. در اینجا ضمن اشاره به این راهکارها، آنها را بر بینامتنی علم و لفظی تطبیق داده خواهد شد تا مدل مورد نظر به خوبی تبیین گردد:

۱-۲. **بینامتنی علم:** این گروه شامل تمامی نام‌های واقعی و ساختگی است که به یک فرد اشاره دارد. (Leppihalme, 1997: 66) این گونه بینامتنی قرآنی با اشعار شاعران عرب به فراوانی یافت می‌شود که از آن گاهی به فراخوانی شخصیت‌های قرآنی (استدعاء الشخصیات الدینیة) یاد کرده‌اند «احمد مطر نیز از شخصیت‌های قرآنی مانند هابیل و قابیل و یوسف ... استفاده کرده است» (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۱۸).

راهکارهای ترجمه تلمیحات اسم خاص براساس مدل لپی هالم (۱۹۹۷) عبارتند از: حفظ نام (Retention of the Name) و حذف نام (Omission of the Name) (احمد گلی و منبری، ۱۳۹۰: ۱۱).

۱-۱-۲. **حفظ نام (Retention of the Name):** این راهکار شامل سه روش است: (۱) مترجم اسم را به تنهایی استفاده می‌کند؛ (۲) در درون متن توضیح مختصری درباره آن اسم می‌دهد؛ (۳) توضیحات مربوط به آن اسم را به طور مفصل در پاورقی ارائه می‌دهد (Leppihalme, 1997: 79). به طور مثال در شعر «الفتنة اللقيطة»^۲ به یکی از شخصیت‌های دینی به نام «قابیل»، اشاره می‌کند. حال در ترجمه این اسم ما می‌توانیم:

الف: اسم خاص را درون گیومه قرار داده و آن را با استفاده از نشانه‌های سجاوندی، به شکلی برجسته سازیم.

ب: در درون متن، مثلاً بین دو گروه یا پیرانتز، توضیح مختصری در مورد این اسم، ارائه گردد.

ج: اسم خاص را حفظ کنیم و بینامتنی به کار رفته را با صراحت در پاورقی توضیح دهیم.

«انان لاسواکما، والأرض ملک لکما/ لو سار کل منکما بخطوه الطویل لما التقت خطاکما
إلاخلال جیل/ فکیف ضاقت بکما فکتما القاتل و القتیل/ قابیل ... یا قابیل!!!» (مطر، ۱۹۹۶:
۱۵/۶).

(دو نفر هستید و نه بیشتر، زمین ملک مطلق شماست؛ اگر هر کدام از شما با گام‌های بلند بر روی زمین راه برود، گام‌هایتان بعد از گذشت یک نسل به هم می‌رسد/ چه‌طور زمین بر شما تنگ آمد و قاتل و مقتول شدید...)

الف: «قابیل» ... ای «قابیل»!!

ب: قابیل... ای قابیل!! (قابیل نام یکی از فرزندان حضرت آدم است)

ج: قابیل... ای قابیل!!^۳

با استفاده از این روش، مخاطبان زمینه بینامتنی به کار رفته را در شعر، که در لفظ قابیل تجلی یافته است، پی می‌برند و در نتیجه درکشان از زیبایی شعر که در اثر این بینامتنی روی داده آسانتر می‌گردد.

۲-۱-۲. حذف نام (Omission of the Name): در این راهکار مترجم اسم خاص را حذف کرده و فقط مفهوم آن را انتقال می‌دهد. به عنوان نمونه، نام ابولهب، در قرآن و ابوجهل در تاریخ صدر اسلام، نماد ثروت و کفر و عناد است. احمد مطر در قصیده «هذا هو السبب»^۴ نام این دو را، به عنوان نمادی از حاکمان سرکش و ستمگر، به‌کار می‌برد. حال در ترجمه می‌توانیم فقط به مفهوم نمادین این الفاظ اشاره کنیم.

«هاک سلاطین العرب/ دزینتان من ابي جهل ومن ابي لهب/ نماذج من العرب/ أسفلها رأس
وأعلاها ذنب!» (مطر، ۱۹۹۶: ۱۱۹/۶).

(این است پادشاهان عرب: دو جین از حاکمان ستمگر و سرکش. نمونه‌هایی از عرب‌ها که مانند مشک آب، پایین‌ترین قسمتشان سر و بالاترین قسمتشان دم است).

البته در این‌جا مخاطبان به بینامتنی به‌کار رفته، در متن شعری پی نخواهند برد اما مفهوم و معنای شعر را به خوبی درک خواهند کرد. نمونه دیگر عنوان قصیده «یوسف فی بئر بترو»^۵ است (مطر، ۱۹۹۷: ۱۶۹/۲). این عنوان، با قرآن بینامتنی بالایی دارد؛ یعنی حضرت یوسف، که در قرآن نماد مدیریت پاک، برجسته و برنامه‌ریز است، در چاه نفت یعنی درآمدهای نفتی گیر افتاده است و هرگز از آن رهایی نمی‌یابد برخلاف یوسف قرآنی که از چاه آب نجات یافت. لذا می‌توان آن‌را به «نماد مدیریت در چاه نفت» هم ترجمه نمود، اما این ترجمه، زیبایی بینامتنی به‌کار رفته در شعر عربی را، منتقل نمی‌کند هرچند مفهوم شعر را منتقل می‌نماید.

۲-۳. **بینامتنی لفظی:** واژه‌ها مهمترین نشانه رخداده بینامتنی در متن ادبی است زیرا مهمترین واحد زبانی در دست ادیب زبردست است که تنها با آن، می‌تواند تصورش را از هستی ارائه کند؛ «درست مانند رنگ در نقاشی که در اختیار همه هنرمندان است تا با زبردستی تابلوی زیبایی خود را بیافریند (مرتاض، ۳۷۰: ۱۹۹۸). یکی از ویژگی‌های بارز شعر مطر استفاده گسترده از واژه‌ها و اصطلاحات قرآنی است (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۹). البته این کاربرد، بازتابی صرف از معانی ظاهری قرآن نیستند «بلکه یادآوری معانی عمیق قرآنی به خواننده است تا تضاد آشکار و خنده‌آور وضع کنونی مسلمانان را با وضع مطلوب قرآنی نشان دهد» (غنیم، ۲۰۰۴: ۲۶۹).

لپی‌هالم، برای ترجمه بینامتنی لفظی راهکارهایی مانند ترجمه استاندارد (Standard translation)، تغییر حداقل (minimum change)، راهنمایی فرا - تلمیحی (Explicit explanation)، توضیح صریح (Extra - allusive guidance)، جایگزینی (Replacement by a performed TL item)، تقلیل به معنی (Reduce to sense)، بازآفرینی (Re-creation)، حذف (Omission)، ابزار غیر قابل ترجمه بودن تلمیح (State the allusion's beyond translation) و

رها کردن متن بدون ترجمه (Untranslation) ارائه داده است (Leppihalme, 1997: 84).

این پژوهش دربرگیرنده شش مورد از این راهکارها است که هم‌زمان با معرفی راهکارها به برخی نمونه‌هایی از آنان اشاره شده است.

۲-۱-۴. **تغییر حداقل (minimum change)**: این ترجمه، یک ترجمه تحت‌اللفظی است که بدون توجه به بینامتنی به کاررفته، انجام شده و در راستای انتقال این بینامتنی هیچ تغییرصریحی صورت نگرفته است و در این روش تنها معنای سطحی متن حفظ می‌گردد (Leppihalme, 1997: 84).

«قرأت في القرآن: تب يدا أي لب وتب/ فأعلنت وسائل الإذعان/ إن السكوت من ذهب/ ... أحببت فقري/ ... لم أزل أتلو: وتب» (مطر، ۱۹۸۷: ۱/۱۱).

(در قرآن خواندم: دو دست ابولهب بریده بادا/ وسایل ارتباط تلقینی اعلام کردند: سکوت طلاست/ ... فقرم را دوست داشتم/ ... پیوسته می‌خواندم: و بریده باد).

در این روش مترجم بی آن‌که مقید به انتقال مفهوم و معنای برخاسته از بینامتنی باشد، می‌کوشد ترجمه‌ای نزدیک به متن ارائه کند، پس مخاطب برای درک زیبایی که بینامتنی با خود به همراه دارد، نیاز به اطلاعات بیشتری دارد و ممکن است از آن محروم بشود. این ترجمه تنها برای مخاطبان فرهیخته‌ای که نسبت به بینامتنی به کار رفته، آگاهی دارند مثمر ثمر خواهد بود.

۲-۱-۵. **راهنمایی فراتلمیحی (Extra - allusive guidance)**: راهنمایی فراتلمیحی، راهنمایی است که مترجم از طریق علایم نگارشی و با توجه به شناختی که از نیازهای خواننده دارد به متن می‌افزاید، حال آنکه چنین علایمی در متن اصلی وجود ندارد. در این روش مخاطب در نظر گرفته می‌شود نه ادیب (Leppihalme, 1997: 84).

«والعصر ... / إن الإنسان لفي خسر/ في هذا العصر» (مطر، ۱۹۸۷: ۱/۱۲۷).

(سوگند به زمان؛ که هر آینه انسان در زیان است فقط در این زمان!! در زیان است

چه مؤمن باشد چه کافر)

توضیح اضافی (چه مؤمن باشد، چه کافر)، نوعی فراتلمیحی است که خواننده را در درک زیبایی متن کمک می‌کند زیرا واژه «عصر» یا زمان در اینجا برخلاف قرآن به کار رفته و مقصودش، زمان کنونی است نه مطلق زمان، لذا در قرآن مؤمنان را از این زیانکاری استثناء می‌نماید اما شاعر در اینجا همه را در این زمان، چه مؤمن و چه غیر مؤمن، در زیان و خسران می‌بیند. البته گاهی «تغییر حداقل در مواردی با راهنمایی فراتلمیحی (Extra - allusive guidance) همراه می‌شود» (احمدگلی و منبری، ۱۳۹۰: ۱۴).

۲-۱-۶. توضیح صریح (Explicit explanation): شکلی از برگردان بینامتنی است که بینامتنی موجود در پاورقی، یادداشت، مقدمه مترجم و غیره همراه با توضیح مفصل آورده می‌شود (همان: ۸۴). مثلاً نمونه زیر را می‌توان با توضیح صریح ترجمه کرد:

«وهر بنا نحو بیت الله منكم / فإذا في البيت، بیت ایض / وإذا آخر دعوانا سلاح أبيض / هدنا اليأس / وفات الغرض / لم يعد من أمل رجي سواكم! أيها الحكام بالله عليكم / أقرضوا الله لوجه الله / قرضا حسنا / وانقرضوا!» (مطر، ۱۹۸۹: ۸۹/۳).

(از دست شما به خانه خدا فرار کردیم / ناگهان کاخ سفیدی را در خانه خدا دیدیم / در آن حال آخرین درخواستمان سلاح سردی بود / ناامیدی ما را از پای در آورد / بی هدف شدیم / دیگر تنها امیدمان شما هستید / ای حاکمان شما را به خدا سوگند، بخاطر خدا، به خدا قرض نیکو بدهید / و نابود شوید!)^۱.

همانگونه که ملاحظه می‌نمایید توضیح آشکار در پاورقی، زیر متن این شعر را بیان کرده است. در این روش همه مخاطبان به بینامتنی به کار رفته پی خواهند برد و همچنین موجب تمرکز بیشتر و عدم خارج شدن آن‌ها از مبحث اصلی می‌گردد، هر چند که استفاده از این روش نیز ممکن است معایبی را به همراه آورد؛ از جمله: طولانی شدن مقدمه‌ها، پاورقی‌ها، یادداشت‌ها و حتی ممکن است مترجم با کمبود پاورقی روبرو شود. «از دیدگاه تیلور معیار این نیست که ترجمه به‌طور کامل به متن وفادار باشد، بلکه مخاطب‌پسند بودن و انتقال شفاف متن اهمیت بسزایی دارد» (مرادی مقدم و قنسولی،

۱۳۹۱: ۳) و در این روش به دلیل شفاف ساختن مفاهیم انتزاعی و مبهم، معمولاً ترجمه طولانی‌تر از متن مبدأ می‌گردد.

۲-۱-۷. رها کردن متن بدون ترجمه (Leftuntranslated): در این روش عین واژه‌های متن مبدأ به متن مقصد انتقال می‌یابد؛ یعنی عین متن عربی به فارسی منتقل می‌گردد زیرا زیبایی بینامتنی در این شکل، برای خواننده آگاه، نمایان می‌شود؛ مانند: «وله الجواری الثائرات بكلّ حان/وله القیان/وله الإذاعة/ دجنّ المذیاع لفته الییان:/ الحقّ یرجع بالربابة والکمان/ فبأیّ آلاء الولاة تکذبان...» (مطر: ۱۹۸: ۱/۱۵۱).

(زنان برافروخته هر میکده، از آن اوست/ دختران نوازنده هم مال اوست/ و رادیو از آن اوست/ رادیو آرام کرد و سخن گفتن را به او تلقین نمود:/ حق با رباب و ویلن، نواخته می‌شود/ فبأیّ آلاء الولاة تکذبان....)

تعبیر «فبأیّ آلاء الولاة تکذبان» تقریباً همان آیه «فبأیّ آلاء ربکما تکذبان» است که بیانگر نعمت‌های فراوان الهی است اما در اینجا بیانگر عذاب‌های بسیار و استبداد و خفقان بسیار زیاد حاکم بر کشورهای عربی است که خود را خدا می‌پندارند! لذا برای حفظ آهنگ و واژه‌های به‌کار رفته و انتقال نوع طنز ناسازوار موجود در شعر، بهتر است ترجمه نگردد و عیناً به زبان فارسی منتقل شود.

همچنین از این راهکار می‌توان در ترجمه عبارتی یا واژه‌هایی که بیانگر بینامتنی است اما عیناً از زبان دیگری در متن شعر به‌کار رفته است، بهره برد. احمدمطر نیز از جمله شاعرانی است که برخی از واژه‌ها و عبارات زبان انگلیسی را در شعر خود به‌کار برده است. این گونه واژه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) الفاظ معرب شده‌ای که با حروف عربی نوشته شده است، مثل (دیالکتیک، دیکور، بیسی...)

ب) الفاظی که به زبان انگلیسی نوشته شده و از لحاظ وزن و قافیه با قصیده هماهنگ است.

شاعر این پدیده را در پنج جای مختلف به‌کار برده است (غنیم، ۱۹۹۸: ۱۳۷). مثل:

«أرى حول «البيت الأسود» بيتاً أبيض/ يجري بثياب الإحرام/...../ تشجب
ذلاً الاستسلام/ وتنادي لجهاد عذري/MADE IN USA/ من سابع ظهر» (مطر، ۱۹۹۷: ۲/
۱۷۱-۱۷۰).

(گرد کعبه/ کاخ سفیدی را دیدم/ که بالباس احرام می‌گردد/...../ ننگ اطاعت
را محکوم می‌کند/ و به یک جهاد پاک (آسمانی) فرا می‌خواند / MADE IN USA / از
هفت پشت (نسل) .)

چون عموم مردم با عبارت : Made In U.S.A آشنا هستند و این تعبیر با آن فرهنگ
اقتصادی بینامتنی دارد، لذا حفظ اصل زبان به‌کار رفته در متن شعری، موجب انتقال
زیبایی بینامتنی به‌کار رفته همراه با طنز آن می‌گردد.

۸-۱-۲. حذف تلمیح (Omission allusive): در این راهکار مترجم بینامتنی به‌کار
رفته را حذف می‌کند؛ در واقع نه به لفظ بینامتنی اشاره می‌کند و نه به مفهوم آن. به‌عنوان
مثال در ترجمه قطعه شعر زیر از احمد مطر: «الم/ ذلك الشعب لم يبق في جسمه موضع صالح
للأم!» (مطر، ۱۹۹۲: ۱۵۴/۴).

مترجم می‌تواند با حذف (الم) معنا را چنین ترجمه کند: (در جسم آن ملت جایی
سالم برای درد باقی نمانده است). متن عربی این قطعه به آیه ۱ و ۲ سوره بقره
(الم/ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) (الم. این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ
تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایپیشگان است) بینامتنی دارد، اما در شعر احمد مطر
منظور از (الم) درد است نه حروف الف، لام، میم و اگر به درد ترجمه گردد بینامتنی آن
ترجمه نمی‌شود. از این رو اگر مترجم توضیح اضافی ندهد و فقط به حذف واژه‌ای که
متن اصلی نشانه بینامتنی به‌شمار می‌رود، بسنده نماید، نتوانسته زیبایی مفهوم شعر را
به زبان مقصد منتقل نماید. این امر یکی از ضعف‌های مترجمان به حساب می‌آید و به
هنگام استفاده از این روش ممکن است مترجم نتواند معنای حقیقی شعر را به‌زبان مقصد
انتقال دهد.

۹-۱-۲. جایگزینی تلمیح با تلمیح خاص زبان مقصد (Replacement by a performed TL item): «براساس این روش انگاره‌ای که برای هر دو فرهنگ آشناست،

در دو زبان با تصاویری متفاوت ارائه می‌شود» (احمد گلی و منبری، ۱۳۹۰: ۱۶). یعنی با معادل‌یابی تقریبی میان مضمونی در زبان مبدأ و مضمونی مشابه یا نزدیک به آن در زبان مقصد می‌توان تأثیری مشابه در ذهن خوانندگان ایجاد کرد. در واقع توجه به مخاطب و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی ملت‌ها، مترجمان را به استفاده از این روش تشویق می‌کند تا بتوانند در ترجمه خود نهایت شفاف‌سازی را به کار ببرند؛ اما به‌خاطر ارتباط بین زبان عربی و فارسی و تشابه فرهنگی بین ایرانیان و عرب‌ها، در اشعار احمد مطر موردی جهت استفاده از این راهکار یافت نشد.

۲-۱-۱۰. ترکیب راهکارها (Combination of strategies): گاهی مترجمان برای ترجمه بینامتنی لفظی چندین راهکار را به کار می‌برند: مثلاً ما می‌توانیم راهکار توضیح صریح و راهکار رها کردن بدون ترجمه را در ترجمه یک عبارت بی‌اوریم. بدین شکل که اگر بینامتنی به‌کار رفته در متن مبدأ، غیر از زبان مبدأ (عربی) باشد، آن بینامتنی را با همان زبان، به زبان مقصد انتقال دهیم، و با بهره گرفتن از راهکار توضیح صریح، ترجمه فارسی متن و منبع بینامتنی را خارج از متن، در یادداشتی به خواننده انتقال دهیم. مانند:

«فقلت: یامولای/ هذا مذهب اللامذهب/ ومذهب یذهب بالمذهب/ ... لا... لن یكون مذهبی/ فهیّا الفتوی لقتلی عامداً/ وقال لی بالعربی؟ you want to be really happy/ صل، إذن، علی النبی!» (مطر، ۱۹۸۹: ۵۹/۳).

(گفتم: ای سرورم/ این آیین بی دینی است/ آیینی که این آیین را نابود می‌کند/ ... / نه... هرگز این، آیینم نمی‌شود/ عمداً فتوای قتل مرا داد/ و به عربی، به من گفت!: you want to be really happy? / پس، بر پیامبر درود بفرست).

عبارت انگلیسی به‌کار رفته با فرهنگ عامه زبان انگلیسی که بیانگر خوشحالی فراوان از یک حادثه است، بینامتنی دارد. در اینجا واژه «happy» با واژه «النبی» در متن عربی هم‌آوا است، لذا در متن شعری نوعی تهکم و طنز دارد که در ترجمه با تغییر حداقلی، یعنی؛ گذاشتن علامت تعجب در برابر واژه عربی، همچنین ترجمه عبارت انگلیسی در پاورقی، چند راهکار با هم در ترجمه استفاده شده است. اضافه بر این موارد می‌توان

توضیح آشکاری هم داد که از وی خواسته است خوشحال هم باشد و بر پیامبر هم صلوات بفرستد که تازه فتوای قتل او را داده است. ناسازوار بین «به عربی گفت» و عبارت انگلیسی به عنوان گفته، اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

- بررسی‌ها نشان داد که اکثر این راهکارها در صورتی که در فضای مورد نیاز به کاربرده شود، مفید و مناسب است. مترجم باید با آگاهی از نوع بینامتنی به‌کار رفته، راهکار مناسب را مشخص نماید.
- به نظر می‌آید که راهکار حفظ اسم در «بینامتنی علم» و توضیح صریح در «بینامتنی لفظی» از بین راهکارهای ارائه شده، مناسب‌تر باشد. زیرا در این دو راهکار همه مخاطبان به بینامتنی به‌کار رفته در متن شعری مبدأ، پی خواهند برد و هم‌چنین موجب تمرکز بیشتر و عدم خارج شدن آن‌ها از مبحث اصلی می‌گردد.
- استفاده از دو راهکار یاد شده ممکن است با معایبی همراه باشد؛ از جمله: طولانی شدن مقدمه‌ها، پاورقی‌ها، یادداشت‌ها. لذا بهتر است مترجم تلاش نماید تا این نقص‌ها را برطرف کند.
- راهکار حذف اسم در «بینامتنی علم» راهکار مناسبی به نظر نمی‌رسد، مگر در مواردی که مترجم احساس کند که حذف نام خاص آورده شده در متن شعری، هیچ‌گونه تاثیری در معنی و زیبایی آن ندارد.
- راهکارهای «تغییر حداقل»، «جایگزینی تلمیح با تلمیح زبان مقصد»، «حذف تلمیح» و «رها کردن تلمیح به صورت ترجمه نشده» خیلی مناسب نمی‌نمایند، زیرا با توجه به نقش کلیدی بینامتنی در اشعار احمد مطر، درک کامل اشعار وی بدون شناخت و فهم بینامتنی به‌کار رفته در آن‌ها مقدور نیست. بنابراین استفاده از این روش‌ها باعث عدم برداشت منسجم و کامل مخاطبان از متن اصلی می‌گردد. این امر باعث می‌شود متن ترجمه شده نتواند درکی مشابه درک خواننده زبان مبدأ را برای خوانندگان زبان مقصد به ارمغان آورد و مترجم نیز در این روش‌ها، بی آن‌که مقید به زیبایی کلام باشد، می-

کوشد ترجمه‌ای دقیق و نزدیک به متن عرضه کند و به آن وفادار باشد. مخاطبان این نوع ترجمه‌ها تنها قشر فرهیخته‌ای را در برمی‌گیرد که از سطح بالایی از دانش فرهنگی، ادبی و بینامتنی برخوردارند.

پی‌نوشت‌ها

1. Intertextuality

2. این فتنه سرراهی.
۳. این قصیده به یکی از داستان‌های قرآنی یعنی داستان هابیل و قابیل و کشته شدن هابیل به دست قابیل اشاره دارد.
۴. تنها دلیل همین است.
۵. یوسف در چاه نفت.
۶. مقایسه کنید با آیه ۱۰ سوره یونس [وآخر دعوانهم أن الحمد لله رب العالمین]: آخرین دعایشان این است که ستایش همه از آن خدا، پروردگار جهان‌هاست.
- و نیز آیه ۲۰ مزمل [وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا]: و به خدا وامی نیکو بدهید.
۷. شما می‌خواهید واقعا خوشحال شوید!!

منابع

- قرآن کریم.
- احمد گلی، کامران، منبری، سروه. (۱۳۹۰). «شعارتی أس الیوت در زبان فارسی: بررسی موردی ترجمه تلمیحات». پژوهش ادبیات معاصر جهان. شماره ۶۳، (۲۳-۵).
- ژنت، ژرار. (۱۹۸۵). «مدخل لجامع النص». عبدالرحمن آیوب. ط ۱. بغداد: دارالشؤون الثقافیة العامة.

- روضاتیان، سیده مریم، میر باقری فر، سید علی اصغر. (۱۳۹۰). «خوانش بینامتنی، دریافت بهتر از متون عرفانی». فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه. شماره ۲۳، (۱-۲۴).
- سلیمی، علی، طهماسبی، عبدالصاحب. (۱۳۹۱). «التناص القرآنی فی الشعر العراقي المعاصر؛ دراسة ونقد». مجلة إضاءات نقدية. سال دوم، شماه ششم، تابستان. (۸۱-۹۵).
- شعیری، حمیدرضا، رحیمی جعفری، مجید، مختاباد امرایی، سید مصطفی. (۱۳۹۱). «از مناسبات بینامتنی تا مناسبات بینارسانه‌ای بررسی تطبیقی متن و رسانه». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. شماره ۲، (۱۰۲-۱۳۱).
- غضنفری، محمد. (۱۳۸۵). «چهارچوب تحلیل نقد ایدئولوژی در ترجمه و نگاهی به ترجمه انگلیسی بوف کور هدایت». مجلة علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۱، (۷۶-۸۸).
- غنیم، کمال أحمد. (۱۹۹۸). «عناصر الإبداع الفني في شعر أحمد مطر». قاهره: مكتبة مدبولي.
- کریستوا، ژولیا. (۱۳۸۱). «واژة مکالمه و مان، به سوی پسامدرن، پساساختارگرایی در مطالعات ادبی». ترجمه: پیام یزدان‌جو. بغداد: دار الشؤون الثقافية.
- مرادی مقدم، مصطفی، قنسولی، بهزاد. (۱۳۹۱). «تطبیق ویژگی‌های متنی و فرامتنی در اقتباس: بررسی موردی ترجمه رمان غرور و تعصب». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۴، صص ۲۳۴-۲۱۵.
- مرتاض، عبدالملک. (۱۹۹۸). «السبع المعلقات [مقاربة سيميائية/ أنثروبولوجية لنصوصها]». دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- _____ . (۱۹۸۷). «لافتات ۱». ط ۲. لندن: تموز (یولیو).
- _____ . (۱۹۸۹). «لافتات ۲». ط ۱. لندن: تموز (یولیو).
- _____ . (۱۹۹۶). «لافتات ۳». ط ۱. لندن: تموز (یولیو).
- _____ . (۱۹۹۶). «لافتات ۶». ط ۱. لندن: آب (اگستس).
- معروف، یحیی. (۱۳۹۰). «نقد و بررسی وامگیری قرآنی در اشعار احمد مطر». مجلة زبان و ادبیان عربی. دانشگاه فردوسی. شماره ۴، (۱۵۱-۱۲۴).

- میرزایی، فرامرز، واحدی، ماشاءالله. (۱۳۸۸). «روابط بیامتنی قرآن با اشعار احمد مطر». نشریه دانشکده ادبیات شهید باهنر کرمان، شماره ۲۵، (۲۹۹-۳۲۲).
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). «درآمدی بر بیامتنی». تهران: سخن.
- Leppihalme, R. (1997). *Culture Bumps: An Empirical Approach to the Translation of Allusions*. Clevedon: Multilingual Matters.

